

به مناسبت سالروز قیام بهممن ۵۷

۲۲ سال پیش مردم ایران که سالها تحت دیکتاتوری سلطنتی - سرمایه داری بودند به تنگ آمده و به خیابانها ریختند . زندانها را گشودند ، ساواک رژیم شاه را درهم شکستند اسلحه را از نظامیان گرفتند و شاه را به زیر افکندند . و برای مدتی هرچند کوتاه اداره شهر ها و کارخانه ها و محلات را به عهده گرفتند .

اما دشمنی که به زیر افکنده شده بود ، دوباره به هیئتی دیگر برخاست ، با هیئتی منفور و عقب مانده تر ، زندانها را بر پا کرد اسلحه هارا از مردم گرفت و به نظامیان داد . سرمایه های مصادره شده را باز پس گرفت و نظم ترک برداشته سرمایه داری را مرمت نمود . شوراها ی کارگری را منحل نمود و بساط دار و سازمانهای مخوف امنیتی و شکنجه و کشتار را برپا نموده و سرکوبچه ها را به میادین اعدام تبدیل نمود . چنان کشتاری از مردم کرد که تا تاریخ ، تاریخ است بعنوان یک قتل عام و ننگ بر چهره حکومت مذهبی میلیتاریستی ایران باقی خواهد ماند . اینک ، دوباره مردم برمیخیزند دوباره میخواهند زندانها را بگشایند و اسلحه را از ارتش و سپاه و سازمانهای امنیتی رژیم بازستانده انها را در هم شکنند و.....

حال که دوباره قیامی دیگر و سرنگونی این رژیم در پیش است . سوال اساسی اینست که چه باید کرد تا پیروزی این قیام تضمین شود ؟ برای پاسخ به این سوال باید دید چه عاملی شکست را تحقق بخشید و دشمن در کجا خود را باز سازی نمود . ما به سهم خود و به عنوان جمع کوچکی از فعالین کمونیست پاسخ این سوال را اینگونه میدهم . همه میدانند که حکومت جای نشین شاه عامل اصلی شکست و باز پس گرفتن دستاوردهای آن دوره بود . پس نقطه ای که باید بر آن تمرکز نمود الترناتیو حکومتی و مشخصات آنست . باید روشن کرد که به جای این حکومت چه میخواهیم اگر نه دستاوردهای قیام به غارت خواهد رفت . انچنان که در قیام بهممن اتفاق افتاد . در قیام بهممن اگر کسی این حرف را میزد او را « خرابکار و تفرقه انداز » مینامیدند و حزب اله فریاد میزد « بحث بعد از مرگ شاه » . تحت عنوان اتحاد و وحدت کلمه « هرگونه طرح الترناتیو (در همان حد هم که روشن بود) سرکوب میشد . دشمنان آزادی در صف مردم و با سوار شدن بر موج اعتراضات انها ، امکان شکست قیام را فراهم میکردند . تمام فداکارها و جانفشانیهای بیدریغ به کیسه کسانی ریخته میشد که درحال تحقق شکست بودند . نیروی واقعی سرنگون کردن شاه ، کارگران و مردم زحمتکش بی نام و نشانی بودند که هیچ کجا خواسته هایشان به حساب نیامد و در اولین وهله سرکوب و به فقر همیشگی رانده شدند . یقینا جمهوری اسلامی حکومت این مردم نبود . پس اینبار اساسا حکومتی متعلق به این میلیونها انسان لازم است تا قیام شکست نخورد و به انقلاب واقعی بیانجامد . حکومت متعلق به این میلیونها انسان ، حکومتی است حاصل حضور عملی و

مستقیم انها در اداره امور و تصمیم گیریها ، یعنی یک جمهوری شورایی . دولتی که منافع و حضور این میلیونها انسان را تامین میکند نمی تواند همزمان سازماندهنده استثمار انها باشد یعنی باید دولتی کارگری باشد و نه سرمایه داری .

این دولت اگر بخواهد دولتی کارگری باشد پس نمی تواند دولت حزبی باشد . زیرا که هیچ حزب و پارلمانی نمی تواند حضور مستقیم میلیونها انسان را برای اداره سرنوشت خویش تامین کند. (حکومت پارلمانی هم یک حکومت حزبی است) . این دولت نمی تواند بر آزادی بیان و اجتماعات و نفی شکنجه و اعدام و لغو نابرابری جنسی میان زن و مرد و نابودی..... تمام موانع حقوق اولیه انسانها استوار نباشد ، زیرا که بر اساس نیاز به نظر و عمل جمعی برپای میشود . اگر حکومت آینده به این مشخصات نیاز دارد که عمومی ترین مشخصات ان هستند باید تمام امید پیروزی به جنبش انقلابی کارگران باشد . جنبشی که ضمن دفاع از سوسیالیسم و دولت کارگری از آزادیها و مبارزه برای تحقق اولیه ترین حقوق انسانی و مبارزه برای حاکمیت بر سرنوشت خویش دفاع میکند . این نخستین درس قیام بهمن و همزمان کلیدی ترین سوالیست که پیش پای قیام اتی نهاده شده است . الترناتیو شما چیست ؟؟

کار _ رفاه _ آزادی _ جمهوری شورایی

هسته اقلیت بهمن ۷۹